

سال نو را به شما تبریک میگویم

کارگران!
زنان، مردم آزادیخواه!

از طرف حزب حکمتیست فرارسیدن سال نو را به شما تبریک میگویم. نوروز روز شادی، روز تازه کردن دیدارها، روز جشن و خوشی و روز آرزوهای خوب و انسانی است. به این مناسبت، برای همگی شما بهترین و شاد ترین لحظات را آرزو میکنم. سالی که گذشت، برای بخش اعظم بشریت در سراسر جهان و برای اکثریت بالائی از مردم ایران، سالی پر از مشقات و درد و رنج و ناامنی بود. هم اکنون و با وجود دنیائی ثروت و امکانات، برگزاری روزی شاد و بی مشکل، تامین ابتدائی ترین امکانات برای جشن سال نو، روزی شاد و فارغ از مشکلات معضل بخش

وسیعی از شما است. همزمان بیکاری و گرانی و فضای جنگی و اختناق حاکم نوروز را به کام بخش اعظم این جامعه، به کام سازندگان و صاحبان اصلی جامعه و به کام میلیونها زن و مرد شریف و آزادیخواه تلخ کرده است. امروز تامین زندگی شرافتمندانه و کم مشقت، داشتن حداقلی از امکانات و تامین جانی و فضائی آزاد برای نفس کشیدن، برای اکثریت جامعه آرزویی شده است.

این دنیای وارونه، این همه بی عدالتی و تحقیر و بی حرمتی، در شان ما نیست، این زندگی نا امن و محقرانه و پر از مخاطره سرنوشت

محتوم ما نیست. ساختن دنیائی آزاد و برابر و مرفه به دستان خود ما و اتحاد صفوف ما ممکن است. نیاید تسلیم این شرایط تحمیلی شد. دخالت آگاهگرانه ما، و تلاش برای بدست گرفتن سرنوشت خود و پایان دادن به حاکمیت سرمایه و بزیز کشیدن جمهوری اسلامی کار ما است. این کار از ما ساخته است. و در آن روز رهایی واقعی خود را جشن خواهیم گرفت.

نوروزتان شاد
از طرف حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
آذر مدرسی
اول فروردین ۱۳۹۱

این دنیای وارونه، این همه بی عدالتی و تحقیر و بی حرمتی، در شان ما نیست، این زندگی نا امن و محقرانه و پر از مخاطره سرنوشت



سرپرست: خالد حاج محمدی
۴ فروردین ۱۳۹۱ - ۲۳ اسفند ۱۳۹۲

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
www.hekmatist.com

نوروزتان پیروز! شما جان بکنید، ما

چاق شویم!
در حاشیه پیام نوروزی خامنه ای

خالد حاج محمدی
Khaled.hajim@gmail.com

سالروز کمون پاریس: تائبقه کارگر هست کمون پاریس مسئله روز است



کارگری خیلی شناخته شده و مشهور است، اما در عین حال کمتر از انقلاب اکتبر یا انقلاب کبیر فرانسه دنیا را تحت تاثیر قرار داده است. نظر شما در این رابطه چیست؟

کوروش مدرسی: کمون پاریس یکی از اتفاقات مهم در تاریخ دوران معاصر ما است. روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ و اگر اشتباه نکنم ۲۹ اسفند ۱۲۴۹ شمسی، که در ایران مصادف با دوره ی ناصرالدین شاه بود، کارگران پاریس قیام کردند و حکومت را بدست گرفتند. در آن زمان روزنامه ها و به اصطلاح روشنفکران ایرانی ای که در فرانسه تحصیل می کردند این واقعه را قیام

مصاحبه پرتو با کوروش مدرسی
* مصاحبه تلویزیونی پرتو با کوروش مدرسی در سال ۲۰۰۸ صورت گرفته است. کمونیست هفتگی به یاد کمون پاریس آنرا دوباره منتشر و خواندن آنرا به خوانندگان نشریه توصیه میکند.

پرتو: سالروز کمون پاریس نزدیک است. قیام پاریس در ۱۸ مارس ۱۷۷۱ و تقریباً ۱۳۷ سال پیش اتفاق افتاد و به قدرت گیری کمونارها، که اساساً کارگران و چپ ها بودند، منجر گردید. کمون پاریس اگرچه به عنوان اولین انقلاب

به مناسبت سال نو، انواع شخصیت های رنگارنگ حکومتی و دنبالچه هایشان در نهادهای " مردمی" پیامهایی خطاب به مردم صادر کردند و برای همگان آرزوی "پیروزی"، کردند. پیامهایی که با الفاظ مختلف، همگی همچون ارکستری هماهنگ، یک پیام داشت. نوروزتان پیروز! شما جان بکنید، تا ما چاق شویم!

خامنه ای در پیامی به مردم ایران، سرمایه داران و کارگران را مورد خطاب قرار داد. ولی فقیه، به مهمترین مسائل جامعه ایران پرداخت و به عنوان نماینده و یکی از رهبران طبقه اش، سال آتی را سال "تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نام نهاد. او به اهمیت مسائل اقتصادی نقش آن اشاره کرد. فرمودند که سال ۹۰ سال "جهاد اقتصادی" بود و ضمن بر شمردن موفقیتهای سیاسی و اقتصادی و... جمهوری اسلامی، پیام خود را چنین بیان کرد:

" بنابراین همه ی مسئولین کشور، همه دست اندرکاران

اوباش می خواندند. ص ۳ ←

گزارشی از شب همبستگی با کارگران ایران در پاریس



به دعوت پنج سندیکای کارگران در فرانسه
CFDT, CGT, FSU, SOLIDAIRES, UNSA

انجمن مارکس - حکمت لندن برگزار میکند: ص ۵
انقلاب ۵۷ ایران
از قیام تا پایان انقلاب

چرا "بهار عرب" پائیزی شده است؟
محمد فتاحی ص ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیان کرد:
کشور، همه دست اندرکاران

نوروزتان...

عرصه ی اقتصادی و همه ی مردم عزیزمان را دعوت میکنم به این که امسال را سال رونق تولید داخلی قرار بدهند. بنابراین شعار امسال، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی» است. ما باید بتوانیم از کار کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه ی سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه ی تولید و اتقان در کار تولید است. و سهم مردم - که به نظر من از همه ی اینها مهمتر است - مصرف تولیدات داخلی است.

احمدی نژاد نیز به همین مناسبت و در همین راستا اشاره کرد که:

«امسال نیز همچون گذشته حمایت از تولید، صادرات ملی، سرمایه و کار ایرانی در دستور کار دولت است.»

همزمان احمدی مقدم فرمانده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی نیز به تکرار سخنان خامنه ای و اعلام آمادگی نیروهای انتظامی جهت تحقق شعار فوق آن پرداخته است.

در گرما گرم وعده مقامات در مورد سال جدید و رها کردن بیشتر افسار برده کشی بی محابا، آب از لب و لوجه خانه کارگرها و شورهای اسلامی، این ارگانهای ضد کارگری، براه افتاد. با شادی و سرور به استقبال پیام خامنه ای رفته و از دفاع گستاخانه و بی چون و چرای رهبرشان از سرمایه "ایرانی و ملی" و تولید داخلی در پوست نمیگنجند. علیرضا محبوب دبیر خانه کارگر خطاب به خامنه ای میگوید:

«این حمایت بی دریغ را به سرمایه و کار ایرانی که بی شک مهمترین سرمایه ملی ماست خواهیم افزود تا بتوانیم صنعت ایرانی، تولید ملی و کارگر ایرانی را بر تارک اقتصاد منطقه بنشانیم». باز در ادامه فرموده اند:

«حمایت حضرتعالی از کارگران و کار آنها و سرمایه ایرانی بازیابی عزت و شرف دیرینه این کوشندگان بدون توقف این مرز و بوم است»

پیام خامنه ای، احمدی نژاد و دفاع فرمانده نیروهای انتظامی بسیار سراسر و روشن است. تا جایی که به سرمایه دار ایرانی برگردد، جمهوری اسلامی در جهادش برای تامین سود سرمایه و دفاع بی اما و اگر دولت ایران از آنها، اعلام اطمینان خاطر قاطع و محکمی میدهد. در پیام مربوطه، طبق معمول سیاست های همیشگی جمهوری اسلامی، شرایط اقتصادی و

تحریم و فشار خارجی را چاشنی وعده افسار گسیخته تر سرمایه برای بهره کشی و استثمار کرده اند. تا به این ترتیب هر صدای اعتراضی را از پیش به عنوان خدمت به دولتهای خارجی و دشمن، سرکوب و خفه کنند. خطاب اصلی پیامهای آنها طبقه کارگر ایران است، که به "تلاش" بیشتر و جان کندن وسیع تر دعوت شده است. فرمانده ناجا و رئیس دولت و خانه کارگیشان را نیز بسیج کرده اند تا تحقق این نیاز سرمایه را به اسم "منافع مردم ایران" و وسیله تامین "نیاز کل جامعه"، به طبقه کارگر تحمیل کنند. تلاش برای حمایت از بازار داخلی، به قیمت صرف هزینه بیشتر و پرداخت پول بیشتر در مقابل کالای ارزان خارجی، سهمی است که از مردم ایران میخواهند که آنرا ادا کنند. مردم نیز باید باری بر دوش بگیرند! تا سرمایه دار ایرانی در این جدال با سرمایه خارجی که با "تحریم اقتصادی" میدانش را تنگ کرده است، قوی و "پیروز" بیرون بیاید. تا سرمایه "ملی" و "ایرانی"، در این میدان تحریم و کمبود و گرانی، با حمایت دولت و ولی فقیه و فرمانده نیروی انتظامی و خانه کارگری ها، چاق و چله تر شود. و بالاخره سود سرمایه داران ایرانی افزایش یابد. "طبعاً" برای تامین این نیاز سرمایه، با اطلاق منافع سرمایه تحت نام نامی منافع مردم و جامعه، این طبقه کارگر است که باید جان بیشتری بکند.

اعلام موضع فوری احمدی نژاد به عنوان رئیس مملکت و احمدی مقدم به عنوان فرمانده نیروی انتظامی و علیرضا محبوب دبیر خانه کارگر، علاوه بر اینکه شراکت آنها در تحمیل فقر بیشتر به مردم و شرایط وخیم تر کاری به طبقه کارگر است، همزمان اعلام مصمم بودن دولت در تعرض به طبقه کارگر و اقتدار پانین جامعه است. لذا از فردا همه ارگانهای اجرایی، قضائی، تبلیغاتی و نیروی سرکوب، در جهت تحقق شعار طبقه سرمایه دار و دولتشان، دست به کار خواهند شد. البته نیروهای انتظامی هم بیکار نخواهند ماند و به میدان آورده خواهند شد. خانه کارگر و بقیه پادوهای سرمایه در نهادهای "مردمی" و "کارگری" به میدان آمده اند تا این هدیه نوروژی را که چیزی جز استثمار بیشتر و به حراج گذاشتن بیشتر بهای نیروی کار طبقه کارگر، به منظور فراهم کردن امکان تولید ارزان برای سرمایه داخلی نیست، به اسم منفعت عمومی جامعه و طبقه کارگر به خورد این طبقه بدهند.

همگی قول داده اند که اگر سرمایه ایرانی رشد کند، اگر بازار داخلی در

دست سرمایه دار ایرانی باقی بماند و تولیدات داخلی به فروش برسد، اگر قدرت رقابتی سرمایه ایرانی افزایش بیابد و تولید ارزان تمام شود، برای طبقه کارگر اشتغال ایجاد میشود. منافع طبقه کارگر ایران با این حساب در گرو "افزایش ثروت سرمایه دار ایرانی" است. و طبقه کارگر در این "جهاد اقتصادی" باید با تمام توان شرکت کند، جان بکند تا اهداف آنها برآورد شود. این شارلاتانیسم تنها مختص به سرمایه دار ایرانی نیست. صاحبان کالای خارجی نیز با همین ابزار بخشی دیگر از همسرنوشتان ما در چین، تایلند، آمریکای لاتین و... را بسیج میکنند تا با سرمایه ایرانی و... توان مقابله پیدا کنند. در این میان و در دوسوی این ماجرا کلاه بزرگ بردگی بر سر کل طبقه کارگر میروند. و همزمان بخشهای مختلف این طبقه را چه در ابعاد جهانی و چه به صورت محلی و در میان سرمایه های ایرانی در مقابل هم قرار میدهند.

قابل توجه این است که بخش اعظم اپوزیسیون جمهوری اسلامی، از راست افراطی تا جریانات چپی که مدال کارگر دوستی بر سینه زده اند، با علیرضا محبوب، هم تصویرند. امروز نه تنها خامنه ای و احمدی نژاد بلکه طیفی از چپهای وطنی، متفقاً پرچم تکفیر کالای خارجی، و نفرین کالای "بنجل" چینی که بازار داخلی را به انحصار خود درآورده است در دست دارند. اهمیت مبارزه با این شیاطین و دفاع از سرمایه "ملی"، از روز اول تولد سرمایه داری ایران، همواره بخشی از هویت چپ ایران را تشکیل داده است.

سال گذشته اگر طبق ادعای خامنه ای و احمدی نژاد و همه سران و رهبران سرمایه ایرانی، سال رشد اقتصادی و افزایش ثروت ایران بوده است. این سال طبقه کارگر برای تامین حداقلی از زندگی روزانه، لحظه به لحظه در مقابل همین سرمایه داران محترم "وطنی و ملی و ایرانی"، در جدال دائم بوده است. سال گذشته برای کارگر ایرانی در عصر مستاجر بوده و ماهیانه ۴۵۰ هزار تومان کرایه مسکن به احتساب پیش پرداخت به صاحب خانه پرداخت می کنم. یارانه های واریزی دولت هم صرف هزینه های آب و برق هم نمی شود تا چه برسد که بخواد کمک خرجی ما بشود.

این هم بیان گوشه کوچکی از معضلات ۸۰ درصد نیروی کار شاغل است که به شکل قراردادی کار میکند. معلوم نیست با این همه ثروت و پیشرویهای سرمایه و دستاوردهایی که آقای خامنه ای و پذیرش مصوبه فوق ارتجاعی شورای عالی کار و تعیین ۳۸۹ هزار تومان به عنوان دستمزد به طبقه کارگر، را به این طبقه تحمیل کرد.

معلوم نیست در این همه دستاوردی که سرمایه انسانی با این



کارگر، به عنوان متور محرکه این نیروی عظیم، است. این غول خوابیده تنها با دخالت و به میدان امن این طیف، تنها با اتکا به روشبینی و پرچم روشن سیاسی، و اتحاد طبقه کارگر حول مهمترین مطالبات خود، میتواند بیدار شود. حلقه اصلی، اتحاد کارگران کمونیستی است که کل افق و کل منفعت حال و آینده طبقه کارگر را نمایندگی میکنند. اتحاد کسانی که افق سوسیالیستی را در مقابل طبقه کارگر میگذارند، و برای رهائی قطعی در هر قدم به قدم برای اتحاد و مبارزه طبقه کارگر فعالیت میکنند و خشت روی خشت میگذارند. باید نیروی خود را برای جنگی واقعی، برای جنگ طبقاتی ما علیه سرمایه، علیه بورژوازی با سیاست و فرهنگ و سنت آن، هدایت کرد. در این راستا افشا سیاست مشترک تمام سخنگویان بورژوازی در دولت و ولایت و خانه کارگر و اپوزیسیون راست و چپ بورژوایی، یکی از ارکان اتحاد آگاهانه طبقه کارگر است.

"محمد عطاریان در پاسخ به درخواست خبرنگار ایلنا در خصوص ارائه اخبار امیدوار کننده به جامعه کارگری اظهار داشت: تمایل داشتیم به عنوان یک فعال کارفرمایی اعلام کنم سال ۹۲ کارگران بر اساس نرخ خط فقر واقعی دستمزد دریافت می کنند".

و این گستاخی و دهن کجی به نام مژده به طبقه کارگر ایران، از زبان محمد عطا ریدان توسط ایلنا اعلام میشود. آقای محترم در دو سال گذشته بر این پای فشرده که افزایش دستمزد در توان کارفرمایان نیست. و اخیرا هم که دستمزد سال ۹۱ را ۳۸۹ هزار تومان گذاشتی، ابلاغ فرموده اند. محمد عطا ریدان در کنار بقیه دشمنان قسم خورده طبقه کارگر، از خامنه ای تا احمدی نژاد و وزیر کار و علیرضا محبوب و...، کارگر را به وعده سرخرمن تا سال آینده منتظر نگاه میدارند. و در این فاصله چه مشقاتی در انتظار خانواده کارگری است، طبعاً به آنها مربوط نیست! چرا که امسال سال کوشش

درجه بالای استعمار و بردگی زنجیر شده اند؟ و کسی هم از جمله آقایان و خانمان محترم خانه کارگر، نظر لطفی به وضع ناهنجار زندگی آنها ندارند؟ چرا کسی از چنین مشقات و دغدغه های حدود ۱۵ میلیون کارگر و خانواده هایشان که جمعا بالای ۵۰ میلیون انسان را شامل میشود، وجدانش به درد نمی آید؟ این درجه از بیرحمی تنها از طبقه ای بر می آید که زندگی و هستی و سودش، در گرو تحمیل بردگی به کارگر است. و جنابان خامنه ای و محبوب و احمدی نژاد و بقیه مامورین و نمایندگان سرمایه در ایران، برای تامین بردگی طبقه کارگر، همگی به خدمت گرفته شده اند.

قابل توجه است که خبرنگاران سایت ایلنا به مناسبت سال نو، بقول خودشان تلاش کرده ان، اخباری دلخوش کننده برای کارگران سرهم بندی کنند. در این زمینه یکی از نمایندگان کارفرمایان چنین میگوید:

بخصوص در پاریس یک دوره ی انقلابی و حکومت موقتی شروع شد. این دوره، دوره ی کشمکش شدید طبقات بود. چیزی که طبقه کارگر از کمون پاریس و همچنین بتدریج یاد گرفت و بعدا در انقلاب اکثرا به کار برد و امروز هم به درد ما می خورد، این است که مردم و جامعه یک کلیت واحد نیست. در جامعه، بورژوازی به یک طرف می رود علیه طبقه کارگر اسلحه بکار میبرد، خرده بورژوازی مردد و متزلزل مرتب می شکند، بخشی از آن به بورژوازی ملحق می شود و علیه طبقه کارگر اسلحه بر می دارد و بخشی دیگر به طبقه کارگر می پیوندد. کمون پاریس چشم طبقه کارگر را به این واقعیت مارکسیستی باز کرد که مقوله ی پایداری بنام "مردم" بطور کلی نداریم. جامعه طبقاتی است. مردم در مقاطع مختلف بر اساس فضل مشترک خواست های جنبش های طبقاتی به حرکت در می آیند. اما برادری بورژوازی و طبقه کارگر یک امر ناممکن است. طبقه کارگر وقتی به قدرت می رسد باید ماشین دولتی را درهم بشکند، نمی تواند سوار ماشین موجود بشود. باید دستگاه دولتی را تصرف کند. باید این ماشین را علیه بورژوازی و ضد انقلاب با قدرت بکار گیرد و باید دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر سازد. این درس اساسی کمون است. وقتی بورژوازی از قدرت بیافتد مقاومتش چندین برابر می شود. دوباره بر می گردد، همراه با بخش هایی از خرده بورژوازی و به کمک بورژوازی "بیگانه" تا آنوقت دشمن علیه انقلاب طبقه کارگر به حرکت در می آید.

کمون پاریس تا نیمه راه رفت. ارتش را

طبقه ای که به ضرورت تصرف قدرت سیاسی آگاه شده است و برای آن تلاش کرد و این قدرت را بدست آورد. چنین چیزی اولین بار بود که در تاریخ اتفاق می افتاد. رافزوده های کمون به کل تئوری انقلاب کارگری بسیار مهم است. به همین دلیل است که بورژوازی از آن نفرت دارد، سعی می کند آن را به فراموشی سپرده و از اهمیت آن بکاهد. در پاریس بناهای بزرگی به مناسبت جشن سرکوب کمون ساخته شده است. از کلیسای سکره کور تا ستون هائی که ساخته اند، به مناسبت پیروزی حکومت خدا، یعنی حکومت بورژوازی بر طبقه کارگر و حکومت ضد خدا است. از نظر بورژوازی این حکومت علیه مذهب، حکومت فقرا، حکومت اوباش و در واقع حکومت کارگران است. کمون پاریس درس های فراوانی دارد. بخش زیادی از اوضاع آن روز به دوره ی امروز ما هم شباهت هایی دارد. دوران، دوران حکومت ناپلئون سوم، لونی بناپارت یک سفته باز ژیکولو بود. پاریس به خاطر اعتراض به بیکاری و گرانی شلوغ شد. حکومت برای فرو نشاندن اعتراضات داخلی تنها راهی که پیدا کرد این بود که با پروس بجنگد. از این رو آگاهانه یک جنگ خارجی را شروع کردند تا فضا را نظامی کنند. اما بد شانس آورده و از پروس شکست خوردند، لونی بناپارت مفتضحانه تسلیم و اسیر پروس ها شد. پاریس شلوغ شد. حکومت سلطنت سر نگون گردید و مردم جمهوری را اعلام کردند. مردم بطور کلی که عبارت بود از بورژوازی، خرده بورژوازی و کارگران، حکومت سلطنتی را سرنگون و اعلام جمهوری کردند. در سرتاسر فرانسه و

از قیام کننده گان به عنوان قرمطیان و کسانی که می خواستند زنان را اشتراکی کنند نام می بردند و تکفیرشان کردند. کمون پاریس به دلایل مختلف واقعه ای مهمی است. از جمله اینکه برای اولین بار در تاریخ طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت اقدام کرد. و در مارس ۱۸۷۱ به قدرت رسید و برای یک دوره ی حدود دو ماهه حکومت کرد. اهمیت دیگر کمون پاریس در این است که مارکسیسم به درجه ی زیادی صحت خود را در برابر آثارشیم به ثبوت رساند. کمون اساسا تحت تأثیر آثارشیمت ها و یک خط انارشیمتی بود. کمون پاریس، در واقع، پیش در آمد انقلاب اکثرا است. در انقلاب اکثرا، نئین درسهای کمون را از مارکس می گیرد و آن را به کار می برد. اینکه انقلاب اکثرا خود چه کاستی هائی داشت به جای خود، اما این انقلاب درس های کمون را بکار گرفت.

پرتو: ویژگی اصلی کمون پاریس در چیست؟

گوروش مرسبی: در حکومت کارگری! مثل این است که بپرسیم خاصیت قیام اسپارتاکوس در دوره برده داری چه بود! خاصیت قیام اسپارتاکوس این بود که یکی از قیام های بزرگ بردمگان بود که رم را به خطر انداخت. کمون پاریس قدرت بورژوازی را در پاریس شکست. طبقه کارگر قدرت سیاسی را تصرف کرد. قوانین و شکل حکومتی جدیدی در تاریخ را عرضه کرد. ارتش را منحل کرد، بجای خدمت نظام وظیفه تسلیح عمومی را آورد و... از این نظر کمون پاریس شروع تاریخ سیاسی طبقه کارگر است.

گزارشی از شب همبستگی با کارگران ایران در پاریس

تورج اصلانی
۱۶ مارس ۲۰۱۲

به دعوت پنج سندیکای کارگران در فرانسه:

CFDT, CGT, FSU,
SOLIDAIRES, UNSA

گرد هم آبی ساده اما با شکوه و پر محتوایی در پاریس برگزار شد. سخنرانان اصلی و دعوت شده به این نشست محمود صالحی و بهروز خباز بودند. دفاع از حقوق کارگران و آزادیهای سندیکایی در ایران و حق ایجاد تشکیلات های کارگری، حق تظاهرات و حق اعتصاب و مسائل مبرم جنبش کارگری، موضوع بحث سخنرانان مهمان و چند تن از مسئولین این سندیکا ها بود. آنجا اینجا می آید گزارشی کوتاه از این مراسم است. آمینوارم مباحثات این نشست مهم بطور کامل منتشر شود و همه و خصوصاً فعالین کارگری در جریان آن قرار بگیرند.

کشورهای دیگر، بسیار حائز اهمیت است. محمود صالحی همچون همیشه با جسارت و رادیکالیسم شناخته شده اش به نقد نظام سرمایه داری در ایران و دنیا پرداخت. از اینکه در ایران جمع برای کارگران منع میشود، از اینکه سرکوب میشوند، از اینکه با همه نیرو تلاش میکنند تفرقه بین کارگران را منظمآ تولید کنند و او و دیگر فعالین و رهبران کارگری را از دفاع و تلاش برای اتحاد کارگران منع میکنند، سخن گفت. اشاره کرد که در یکی از محاکماتم به من میگفتند دفاع از کارگران خاتون آباد به تو چه مربوط!؟ منم جواب دادم مگر قوانین قضایی ایران در شهر محل زندگی من سقر، با خاتون آباد فرق دارد!؟ محمود صالحی ادامه داد که در کارخانه های ما که زنان در کنار مردان کار میکنند جداسازی نیست! زن و مرد در کنار هم باید کار کنند، در آنجا باید سود برای سرمایه تولید شود! ادامه داد که حضار محترم، در کشور ما برای رضا شهبانی که ۲۲ ماه است در زندان است و بلاتکلیف است همچنان حکم "بازداشت موقت" را داده اند! میدانید در کشور ما برای مجرم و جنایتکاران بازداشت موقت این چنینی صادر میکنند؟ قبلاً هم من گفته ام که فعال ضد سرمایه در کشور ما تبدیل به "جاسوس" امپریالیست آمریکا میشود!

جمع فعالین درست نمیشود، بلکه از جمع سندیکاهای محل کار تشکیل میشود. اینها تشکل و اتحادیه کارگری نیستند، اینها تشکل کارگری نیستند، فعالین کارگری باید کمک کنند که تشکیلات ها در محل های کار ایجاد شود.

بخش دیگری از سخنان صالحی خطاب به مسئولین سندیکا و سندیکاهای فرانسه بود که با همان صراحت و رادیکالیسمش به انتقاد از آنها پرداخت و گفت که چرا در اینجا بسیاری از کارگران را نیاریدید تا با ما و شرایط طبقه کارگر در ایران بیشتر آشنا بشوند؟ و در انتقادی که به نظر نمی رسید کسی در این نشست انتظار شنیدنش را داشته باشد گفت، شما مدتی قبل ۳ میلیون کارگر را برای حفاظت از حقوق باز نشستگیشان به خیابانها آوردید، سوال من این است که چرا بدون اینکه به خواستههایشان برسند، بدون اینکه دستاورد کوچکی را کسب کنید، این نیروی عظیم را به خانه برگردانید؟ او در ادامه به بوروکراتیسم حاکم بر اتحادیه های اروپا و فرانسه و به فاصله زیادی که راس این تشکلهای با بنده دارند انتقاد کرد.

و بالاخره خطاب به جوانانی که از کشور خارج میشوند گفت که من میفهمم که چرا نسل بعد از ده ۶۰ ناچار به ترک ایران شد ولی شما چرا؟ بهروز خباز در سخنانش به یکی از مهمترین گره گاه های طبقه کارگر پرداخت و مساله سازمانیابی کارگران در مبارزاتشان را مورد بحث قرار داد. اشاره به مبارزات سه دهه گذشته و بویژه در زمینه سازمانیابی و تجمع های اول ماه مه و اعتصابات سال ۸۴ شرکت و احد و...

اشاره کرد. بهروز خباز گفت علیرغم همه هزینه هایی که تا هم اکنون در جنبش کارگری داده ایم، این جنبش و رهبرانش بر علیه نظام سرمایه داری در ایران هستند. بهروز خباز اشاره کرد که در جنبش کارگری رو به رشد در ایران که در محور آنها کمیته های کارگری قرار دارند، قابلیت توده ای شدن بیشتر را دارند و برغم تحرکاتی که گرایش امکانگر در جنبش کارگری دارند، جنبش کارگری بشدت ضد سرمایه داری است و با تمام ظرفیت هایی که دارد در خاورمیانه بی نظیر است.

بهروز خباز در پیام خود به سندیکاهای فرانسه اشاره کرد که شرکت های فرانسوی پژو و

رنو در ایران از طریق شرکت های پیمانکار در استنمار و بی حقوق نگاه داشتن کارگران بشدت سپیمند و این توقع کارگران ایران از شماسنت که با مبارزه خود با این شرکتها و شرایطی که در خودروسازیهای ایران و بیکاری مضاعفی که ایجاد کرده اند، مقابله کنید. میزبانان و برگزار کنندگان این نشست با پذیرایی گرم ادامه گفتگو ها را تا ساعاتی بعد موجب شدند.

کتاب ارشمنند "من مرگ را سرودی کردم" که در باره زندگی و مبارزه محمود صالحی است در سالن به فروش میرسید و خریداران آنرا به محمود صالحی میدادند تا برایشان امضا کند. این کتاب را بهرام رحمانی تهیه و منتشر کرده است. در معرفی کتاب این گفته درخشان محمود صالحی برجسته شده است که میگوید: "من به همه فعالین کارگری اطمینان میدهم که مبارزه ما ادامه خواهد یافت. اگر فرجام خواهی ما نتیجه نداد و ما به زندان افتادیم، آنگاه بر اساس شرایط مبارزه خود را ادامه خواهیم داد. زندان هم محل مبارزه است. از آنجا نیز میشود صدای خود را به بیرون رساند. آنها که این احکام را علیه ما صادر کرده اند، فکر میکنند ما عقب می نشینیم. این خیالی خام است. در روز اول ماه مه ۸۳ ما را بازداشت کردند تا مراسم روز جهانی مان را نگیریم، اما ما در همان بازداشتگاه با نوای الهام بخش سرود انترناسیونال روز طبقاتی و جهانی خود را گرامی داشتیم، در این مورد نیز همین کار را خواهیم کرد."



مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

چرا "بهار عرب" پاییزی شده است؟

محمد فتاحی

برای ایجاد تحول در ایران طبق منافع زمینی خود عمل کرده و روشن ترین نسخه های شان را همراه دلار از اطاق های فکری بورژوازی غرب دریافت میکنند و احتمالاً گزارشات منظم ماهانه هم تحویل مسئولین شان میدهند.

صد البته اینها سوال روی میز کل جبهه کمونیسم بورژوازی ایران در تمام احزاب و دستجات شان هم نیست که هر تحرک ارتجاعی در کشورهای منطقه را به اسم انقلاب به مردم می فروشند. البته اینها حق دارند، چون انقلاب مد نظرشان معجونی متفاوت از همین اجناس بنجل سیاسی نیست.

این سوالات اما ناگفته در دل میلیونها انسانی است که به همین انقلابات و پیروزی شان امید بسته بودند و امروز انگشت به دهان مانده اند که چه شد؟

واقعا چه شد؟

یک نگاه ساده به ما میگوید که در اکثر این کشورها طبقه کارگر یک پای جدی تحول نیست. زمانی هم که کارگر در میدان کشمکش سیاسی برای کسب قدرت نیست، بطور طبیعی این جنبش های سیاسی دیگر جامعه اند که با حمایت پشتیبانان هم طبقه شان در میان بورژوازی بین المللی قدرت را می قاپند، که چنین هم شد.

در مقابل چنین حکم ساده ای هر

کسی میتواند به من جواب دهد که، ولی در مصر طبقه کارگر یک پای اصلی انقلاب بود و هنوز هست، آنجا چرا ملی اسلامی ها کرسی ها را جارو کرده اند؟

نسل من به یاد دارد که طبقه کارگر ایران هم در سال پینجاه و هفت یک پای اصلی انقلاب بود، اما نهایتا بخش دیگری از ارتجاع بورژوازی قدرت را ربود. همین دو تجربه دم دست به ما میگوید که حضور طبقه کارگر هر چند با قدرت و متحد و متشکل در شوراها و اتحادیه ها اما ابدا کافی نیست. طبقه کارگر در جنگ نه برای فقط کسب قدرت سیاسی که حتی برای یک پیروزی چشمگیر در چهارچوب همین سیستم فعلی بورژوازی برای کسب رفرف های با کیفیت بدون داشتن یک صف مستقل متشکل در حزب کمونیستی خود ممکن نیست. اگر همین امروز طبقه کارگر در ایران ناتوان از پیشروی در مقابل دولت و طبقه حاکمه است، اساسا به دلیل غیبت اسلحه سیاسی اش، یعنی همان تحزب کمونیستی است.

تحزب کمونیستی؟

در ایران امروز اما و در مصر و همه کشورهای منطقه تعداد احزابی که به خود عنوان کمونیست و سوسیالیست داده اند ابدا کم نیست. پس مشکل چیست؟ به حلقه دیگری میرسیم؛ منظور از حزب کمونیستی تشکیلاتی متشکل از رهبران و کادرهای خود طبقه است، نه چیز دیگری؛ که در ایران امروز و در کل منطقه و در کل جهان امروز کاملا نایاب است. این تجربه یکبار دیگر به ما میگوید که پیروزیهای بزرگ و حتی نسبتا کوچک ولی چشمگیر طبقه ما به وزن کارگر و رهبر کارگری متشکل در حزب کمونیستی اش گره خورده است، که ایجادش، امروز، قبل از هر کسی به تحرک رهبران کمونیست این طبقه گره خورده است. رفقای من، دنیا بدون تحزب کمونیستی طبقه

کارگر هر روز لجنزاری تر است!

به: اعضا و کادرهای حزب در خارج موضوع: معرفی دبیر خارج کشور حزب

رفقای عزیز به اطلاعاتان میرسانم که رفیق لادن داور از طرف رهبری حزب بعنوان دبیر خارج کشور تعیین شده اند. مجموعه فعالیتهای حزب در خارج کشور زیر نظارت ایشان خواهد بود. از همه اعضا و کادرهای حزب تقاضا میکنم که در مورد نحوه فعالیت خود در خارج کشور و سازمان خود با رفیق لادن تماس بگیرند.

با آرزوی موفقیت برای رفیق لادن داور

آذر مدرسی
دبیر کمیته مرکزی

انجمن مارکس - حکمت لندن

یکشنبه ۱۵ آوریل ۲۰۱۲
ساعت ۱ تا ۴ بعدازظهر

سمینار
کوروش مدرسی

انتخاب ۵۷ ایران

یک بررسی تحلیلی، سخنرانی چهارم

از قیام تا پایان انتخاب

لطفا از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید

ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر و نام نویسی برای شرکت در سمینار، با تسرین جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت تماس بگیرید:

ایمیل: marx.hekmat@gmail.com
<http://www.marxhekmatociety.com/>

تلوویزیون پرتو، برنامه ای از حزب حکمتیست

PARTOW
hekmatist.com

تلویزیون پرتو از روز جمعه ۳۰ مارس از کاتال یک روی ماهواره هات برد شروع به کار میکند

برنامه های پرتو روزهای جمعه ساعت ۷ بعدازظهر به وقت تهران (۴:۳۰ دقیقه بعدازظهر اروپای مرکزی و ۸:۳۰ دقیقه صبح لس آنجلس) روی ماهواره هات برد از کاتال یک پخش میشود. این برنامه ها روزهای سه شنبه ساعت ۲:۳۰ دقیقه صبح (۳ بعداز ظهر لس آنجلس و ۱۱ شب اروپای مرکزی) تکرار میشود. برنامه های تلویزیون پرتو همچنین در اروپا، امریکا، استرالیا، کانادا و بخشی از خورمیانه قابل رویت است.

تلویزیون پرتو را میتوان همزمان روی سایت www.gelwiz.com مشاهده کرد.

مشخصات ماهواره:

Frq 11179
Syb 27500
Pol H
FIC 3/4

آدرس تماس با دبیر خانه حزب (رفیق پری زارع)
hekmatistparty@gmail.com

زنده باد سوسیالیسم

کمیته را بخوانید و آن را بدست کارگران برسانید
کمیته را تکثیر و توزیع کنید
به کمیته کمک مالی کنید